

از میان
پرسیا، میانرودان و قفقاز

۱۸۸۶ میلادی

برگردان
دارا صفری

نوشته
سون همدین

دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد
شاید به خواب شیرین فرهاد رفته باشد
حزین لاهیجی

پیشگفتار مترجم

این کتاب با نام *Genom Persien, Mesopotamien och Kaukasien* شرح سفر اول همدین به ایران می‌باشد که در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در زمان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار انجام گرفته است. نویسنده در آن ایام یک دانشجوی ۲۰ ساله بود و پیش از آغاز سفر به مدت ۸ ماه در کنار مهندسین سوئدی و فنلاندی شرکت نفت نوبل در باکو اقامت کرده و به فراگیری زبان‌های ترکی و فارسی پرداخته بود. همدین جوان روز ۶ آوریل ۱۸۸۶ میلادی برابر ۱۷ فروردین ۱۲۶۵ خورشیدی به سمت ایران حرکت نمود و از مسیر بندر انزلی، رشت و قزوین به تهران رسید. سپس از اصفهان و شیراز دیدن کرد، از راه کازرون خود را به بندر بوشهر رساند و از طریق بصره با کشتی به بغداد رفت. پس از دیدن بغداد با کاروانی عازم کرمانشاه شد و از راه همدان به تهران مراجعت نمود. آنگاه به سفر خود به سمت شمال ادامه داد و با کشتی از بابل‌سر به مقصد باکو ایران را ترک کرد. سپس با راه‌آهن خود را به بندر باتوم در گرجستان رساند و با کشتی به استانبول عزیمت نمود. در خاتمه او از طریق بلغارستان و رود دانوب به اروپا و کشور خود مراجعت کرد.

آنچنانکه خواهید خواند این نویسنده جوان علاقه بی‌حد و اندازه‌ای به فارس‌ها و ایران دارد و به جز چند مورد با چنان علاقه‌ای درباره آنها سخن می‌گوید که حتی خود ما ایرانیان را هم شگفت زده می‌کند. علاقه وافر او به خاستگاه نژاد آریائی، برگرفته از افکار نژادپرستانه او بود و این افکار تا بدان جا در او ریشه دوانده بود که او پیش از آغاز جنگ دوم جهانی و هنگام برگزاری المپیک برلین در سال ۱۹۳۶ میلادی برابر ۱۳۱۵ خورشیدی، پس از گرفتن عکس یادگاری با هیتلر، در مقاله‌ای از او به عنوان ابرمرد تاریخ معاصر یاد کرد. هم‌سوئی او با آلمان در هر دو جنگ جهانی، به‌ویژه در جنگ دوم و گرایش‌های نژادپرستانه او سبب شد نویسنده پس از شکست آلمان نازی و پایان جنگ،

گوشهٔ عزلت‌گزیده و سال‌های آخر عمر تا زمان مرگ در سال ۱۳۳۱ خورشیدی را در کنج انزوا و تنهایی به سر برد. البته در دفاع از او باید گفت که در شرایط سیاسی آن زمان اسکاندیناوی، به‌ویژه در سوئد اکثر مردان عضو یا هوادار احزاب و سازمان‌های متعدد راست‌گرای افراطی بودند.

اما باید اذعان کرد که این مسافر جوان، احتمالاً به خاطر سن کم، تجربهٔ اندک و یا احترام وافر به سن و رسوم باستانی مردمان خاستگاه نژاد آریائی، در برخورد با طرز تفکر و زندگی کاملاً متفاوت ایرانیان، همانند سایر گردشگران اروپائی مانند لرد کرزن و ژاردن، نگاه تحقیرآمیز از بالا نداشته و به آنها به دیدهٔ احترام می‌نگرد. او حتی در اکثر مواقع سعی در تجزیه و تحلیل و ریشه‌یابی رسوم ایرانیان دارد اما گاهی قیم را فراتر نهاده و نکات مذهبی، تاریخی و اجتماعی را بیش از دانسته‌های خود موشکافی می‌کند و نتیجهٔ کار با واقعیت و حقیقت همخوانی نمی‌یابد. مثلاً این جوان ۲۰ ساله سجدۀ نمازگزاران را بوسیدن زمین می‌داند یا در جایی حادثۀ عاشورا را قتل حضرت علی‌ع عنوان می‌کند. در مجموع در نوشته‌های این جوان بیست ساله اشکالاتی از این قبیل بسیار است اما با اعتقاد به اصل امانت‌داری در کار ترجمه، مطالب به همان صورت برگردان شده است.

به عقیدهٔ زبان‌شناسان زبان هر قوم با توجه به نیازها و ضرورت‌ها، مسائل اجتماعی و اقتصادی، شرایط زیست محیطی و باورهای مذهبی آنها شکل می‌گیرد و این نکته در مورد کشور سوئد هم صدق می‌کند. از این رو کلماتی وجود دارد که مشابه آنها در زبان مردم این دیار و بلعکس وجود ندارد. بهترین مثال آن کلمهٔ نهار می‌باشد که در قرون گذشته در این قسمت از اروپا صرف چنین وعدهٔ غذایی اولویت نداشت یا اگر صرف می‌شد وعدهٔ کاملی نبود که احتمالاً به شرایط اقتصادی و کاری جامعه و وضع مالی خانواده‌ها بستگی داشت. نویسنده در سفرهای خود با آشنائی با این وعدهٔ کامل غذایی، آن را صبحانه یا صبحانهٔ دوم می‌نامد. امروزه با گذشت زمان، صنعتی شدن کشور، دگرگونی کامل شرایط اقتصادی، توزیع عادلانهٔ ثروت و ورود اقوام خارجی، این وعدهٔ غذایی در این کشور کاملاً مرسوم شده ولی هنوز هم نامی برای آن ندارند و آن را با نام انگلیسی آن با اندکی لهجه "لنچ" Lunch می‌خوانند. البته غذای اصلی روز که حدود ساعت ۵ بعدازظهر صرف می‌شود هنوز هم مهم‌ترین وعدهٔ غذایی خانواده‌ها می‌باشد.

یکی از نکات قابل ذکر این است که تا ۲۶ اکتبر ۱۹۰۵ میلادی برابر پنجشنبه ۴ آبان ۱۲۸۴ خورشیدی دو کشور سوئد و نروژ متحد بوده و پادشاه مشترکی داشتند اما در آن تاریخ با امضاء توافقنامه‌ای این اتحاد با صلح و دوستی از هم گسست و شبه‌جزیره به دو کشور مجزا با دو پادشاه مستقل تقسیم گشت. به این دلیل در این کتاب از پادشاه سوئد و نروژ نام برده می‌شود.

در کار زیرنویس‌ها از انسیکلوپدی ایرانیکا، ویکی‌پدیا، وبستر و چند مأخذ دیگر استفاده شده است. در مورد تاریخ‌ها نهایت تلاش به کار رفته تا برای خواننده قابل استفاده باشد اما

از آنجائی که تبدیل سنوات قمری به خورشیدی و میلادی از صحت چندانی برخوردار نیست به همان گونه آورده شده‌اند.

این کتاب به زبان سوئدی قدیم نگارش یافته و تعدادی از لغات آن امروزه به کار نمی‌رود و این نکته کار ترجمه کتاب را دشوارتر کرده است. مسلماً این کار خالی از اشکال نبوده و از خواننده محترم تقاضای پوزش دارم. امید است مطالب این کتاب مورد استفاده خواننده گرامی واقع گردد.

استکهلم، پائیز ۱۳۸۸ خورشیدی